

## قلمرو حریم خصوصی اعضای خانواده در پرتو آیه ۵۸ سوره نور

اکرم بهرامیان<sup>۱</sup>

اشرف رضایی<sup>۲</sup>

محسن قمرزاده<sup>۳</sup>

### چکیده

اجازه گرفتن فرزندان هنگام ورود به محل استراحت والدین، از جمله مسائل مهم در بحث تربیت دینی کودکان بوده، از زاویه حریم خصوصی قابل توجه است. خداوند در آیه ۵۸ سوره نور به این امر پرداخته و خطاب به مؤمنین سفارش نموده است؛ به نحوی که رعایت این مسأله را در سه زمان مخصوص به فرزندان خود بیاموزند. از این رو محقق با رویکرد توصیفی تحلیلی به بررسی فقهی-تفسیری این آیه پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که از دیدگاه تفسیری، اجازه خواستن فرزندان و کودکان و دیگر افراد مرتبط، هنگام ورود به اتاق خلوت والدین یک روش مهم تربیتی بوده که بر اساس آن، کودکان و فرزندان هنگام ورود به اتاق خواب اولیا اجازه گرفته و بدون اجازه آن‌ها وارد نمی‌شوند. همچنین از دیدگاه فقهی، مجامعت اولیاء با وجود کودک بیداری که توانایی توصیف حالات را دارد، کراهت شدید دارد. این کراهت هم برای فرزندان پسر و دختر بوده و هم باید از سوی مرد وزن رعایت شود و علاوه بر کودکان ممیز، شامل بچه غیرممیزی هم که درکی از مسائل و توصیف آن‌ها دارد، می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** خانواده، حریم خصوصی، قرآن کریم، سوره نور، تفسیر، فقه.

<sup>۱</sup> دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)، نویسنده مسئول؛

a.bahramian.esf@gmail.com

<sup>۲</sup> دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا (سلام الله علیها)؛

rezaei۹۴۶۲@yahoo.com

<sup>۳</sup> مدیر گروه فقه قرآن و حدیث مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)؛ ghamarzadehm@gmail.com

## مقدمه

یکی از آداب پسندیده و خوب زندگی اجتماعی، اجازه گرفتن برای ورود به خانه و جایگاه خصوصی دیگران در همه جوامع بشری اعم از مذهبی و غیرمذهبی است؛ زیرا هرکس برای خود حریمی دارد که شکستن آن از سوی هیچ فردی قابل بخشش نیست و عدم رعایت آن باعث مفساد اجتماعی و از بین رفتن عفت عمومی شده و در جوامعی که به این مسأله مهم اهمیتی نمی‌دهند، اعمال منافی عفت و مفساد اجتماعی زیاد به چشم می‌خورد (شادی، ۱۳۸۲: ۸). به همین دلیل امروزه اعتقاد بر این است که لازم است پدران و مادران و مربیان، کودکان را از ابتدای طفولیت طوری تربیت نمایند که به این مسأله توجه کنند. مخصوصاً پدران و مادران، به بچه‌های خود آموزش‌های لازم را در این زمینه داده و به آنان تفهیم کنند که نباید به حریم و اتاق خصوصی دیگران حتی پدر و مادر خود، بدون اجازه وارد شوند (ناصر الوان، ۱۳۸۸: ۴۷۹).

سوره نور که در یک دیدگاه کلی به مسائل مربوط به عفت و حجاب اشاره کرده و در آیات آن سیاست پیشگیری از گناه در احکام الهی نهفته است، مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید (آیه ۱)؛ ازدواج آنان را محدود کنید (آیه ۳)؛ اگر کسی بدون چهار شاهد نسبت ناروا داد، هشتاد تازیانه بزنید (آیه ۴)؛ اگر تهمتی را شنیدید برخورد کنید (آیه ۱۲)؛ هرکس اشاعه فحشا را دوست داشته باشد، عذاب دردناک خواهد داشت (آیه ۱۹)؛ به دنبال گام‌های شیطان نروید (آیه ۲۱)؛ کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت (آیه ۲۳)؛ پاکان به سراغ ناپاکان نروند (آیه ۲۶)؛ سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید بپذیرید و برگردید (آیات ۲۷ و ۲۸)؛ چشمان خود را از نامحرم پیش کشید و خیره نشوید (آیات ۳۰ و ۳۱) زنان زیور خود را نشان ندهند، برای ازدواج افراد بی‌همسر قیام کنید و از فقر نترسید (آیه ۳۲)؛ و بالاخره اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به خلوتگاه و جایگاه خصوصی پدران و مادران را مطرح کرده و صراحتاً به والدین دستور داده که فرزندان خود را مؤذّب به آداب اسلامی به ویژه طرز ورود به خانه دیگران، از جمله به جایگاه و اتاق خصوصی خودشان نمایند.

به همین دلیل فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ

ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور: ۵۸) ای اهل ایمان! باید بردگانتان و کسانی از شما که به مرز بلوغ نرسیده‌اند [هنگام ورود به خلوت خانه شخصی شما] سه بار [در سه زمان] از شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح، و هنگام [استراحت] نیم روز که جامه‌هایتان را کنار می‌نهد و پس از نماز عشا [این زمان‌ها] سه زمان خلوت شماست، بعد از این سه زمان بر شما و آنان گناهی نیست [که بدون اجازه وارد شوند زیرا آنان] همواره نزد شما در رفت و آمدند و با یکدیگر نشست و برخاست دارید. این‌گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است. دستور خداوند در آیه یاد شده، درباره اجازه فرزندان برای ورود به جایگاه خصوصی والدین چنانکه از تعبیر «الذین» پیداست، مطلق است. گرچه این تعبیر برای جمع مذکر است، فرزندان پسر و دختر و نیز کوچک و بزرگ را شامل می‌شود همچنانکه در آیه وجوب روزه، «الذین»، زن و مرد، هر دو را شامل می‌شود. البته این حکم مربوط به کودکانی است که به حد تمیز رسیده‌اند و مسائل جنسی را تشخیص می‌دهند؛ چرا که دستور به اجازه گرفتن، خود، دلیل بر فهمیدن آنان است و برای کودکان خردسال که هنوز طفلی بیش نیستند، تکلیفی نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱۷۷).

آیه شریفه با ظرافت خاصی، زمان اجازه گرفتن را بیان کرده و در سه زمان، ورود بی‌اجازه را ممنوع نموده که عبارت‌اند از پیش از نماز صبح و هنگام ظهر که لباس‌های معمولی را در می‌آورند، و بعد از نماز عشاء. در این وقت‌ها معمولاً پدران و مادران ممکن است در جایگاه خصوصی خود مشغول استراحت بوده یا با هم خلوت کرده باشند. (جصاص، ۱۴۱۵، ج ۵: ۱۹۲؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۵۳؛ نیآوردی، بی‌تا، ج ۴: ۱۲۰؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۱۹: ۲۱۴). دلیل این که چرا موقع نیمروز به همراه پیش از نماز صبح و بعد از نماز عشاء که وقت خواب و استراحت است، آورده شده این است که قرآن کریم، تعبیر «ظهیره» آورده است که این واژه در معنی نیمروز و ظهر به کار رفته، معمولاً مردم در آن هنگام مقید به پوشیدن لباس‌های معمولی نبوده و آن را در می‌آورند، مخصوصاً در هوای گرم و تابستان، چرا که در زمستان، ظهیره به کار برده نمی‌شود (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۹۳).

به عبارت دیگر خداوند متعال این اوقات سه گانه را با تعبیر «عورت» بیان کرده و عورت از ماده «عار» به معنی عیب و یا هر آن چیزی که مردم از آشکار شدن آن حیا کرده و خجالت می کشند تا آنجا که آشکار شدن آلت جنسی هم مایه عیب و عار است، به آن عورت اطلاق شده است (همان، ج ۳: ۴۱۶).

در این سه حالت، مردم زیاد مقید به پوشانیدن خود، مانند سایر اوقات نیستند؛ زیرا در اتاق خصوصی خود مشغول استراحت هستند؛ اما در غیر این اوقات می توانند باهم باشند و با همدیگر با صفا و صمیمیت صحبت و همنشینی کنند. مخصوصاً کودکان و فرزندان کم سن و سال که با پدر و مادر در زندگی نزدیک بوده و نمی توانند زیاد دور از آنان باشند (خازن، ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۰۴؛ سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۸۷).

با توجه به مباحث مطروحه و بررسی سابقه‌ی پژوهش‌های انجام شده در این ارتباط مشخص شد: صادقی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی فقهی - تربیتی آیات استیزان» چنین نتیجه‌گیری نموده که آیه ۵۸ سوره نور یکی از آداب مهم اسلامی را بیان کرده و ظاهر آیه بر وجوب رعایت این حکم دلالت دارد که بی توجهی به آن، انحرافات اخلاقی کودکان و نوجوانان را در پی دارد. این آیه مشتمل بر دو تکلیف و امر است، یکی امر و خطاب به پدر و مادر و اولیا نسبت به تربیت و آموزش فرزندان در مورد بحث خاص ادب زناشویی و تعامل فرزندان با والدین و دیگری امر و تکلیفی است که مربوط به خود فرزندان بوده، موظف هستند در اوقات ثلاثه از پدر و مادر اذن بگیرند. ایزانلو و زارع (۱۳۹۵) نیز پژوهشی با عنوان «ادبیات اجازه گرفتن کودکان در خانه با تاکید بر آیه ۵۸ سوره نور در تفاسیر شیعه و اهل سنت» انجام، که نتایج پژوهش نشان داده بر اساس تفاسیر موجود، والدین باید با آموزش‌های تدریجی و بدون سخت‌گیری، کودکان خود را به اجازه گرفتن در هنگام ورود به حریم خصوصی تشویق و در نهایت وادار نمایند.

بر همین اساس سؤال اصلی پژوهش این است که دیدگاه مفسرین و فقها در زمینه استیزان به هنگام ورود به حریم خصوصی والدین بر مبنای آیه ۵۸ سوره نور چیست. بررسی این موضوع از آنجا دارای اهمیت است که از یکسو در اغلب خانواده‌ها به آن اهمیت چندانی داده نشده و مسائل و احکام مربوط به آن رعایت نمی‌شود که این امر می‌تواند در بهداشت و تربیت جنسی

کودکان آثار بسیار مخربی داشته باشد؛ از سوی دیگر، پژوهش های محدودی به این موضوع پرداخته اند.

### ۱. تحلیل تفسیری آیه ۵۸ سوره نور

آیه ۵۸ سوره نور که به آیه استیذان نزد مفسرین مشهور است (سیوطی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۵۰) و به معنای اجازه خواستن است، از ابعاد مختلف تفسیری قابل بررسی است که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

#### الف) شأن نزول

از دیدگاه اغلب مفسرین، شأن نزول آیه ۵۸ سوره نور این است که اسماء دختر ابی مرشد را غلامی بود، وقتی به خانه وارد شد، اسماء در حالتی بود که نخواست غلام او را چنان ببیند؛ پس از آمدن او کراحت یافته، خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد این غلامان و خدمتکاران در خانه هایمان درآیند، در اوقاتی که ما کراحت داریم؛ آیه شریفه نازل شد (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۵، ج ۸: ۲۴۳-۲۴۲؛ قمی، ۱۳۶۸، ج ۹: ۳۴۲).

#### ب) واژه شناسی

واژه شناسی آیه ۵۸ سوره نور در برخی واژه ها با اختلاف عقیده، معنا و تشریح شده است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»؛ ای کسانی که به خدا و پیغمبر ایمان آوردید، عبارت «الذین امنوا» متوجه پدران و مادران است چون فرزندان نابالغ مکلف نیستند تا بشود به آنان امر و نهی نمود، این امر متوجه اولیای فرزندان خواهد بود که آنان باید محتوای این دستور را به فرزندانشان بیاموزند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۱، ج ۱۲: ص ۲۲۹).

«لَيْسَ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» باید آنان که مالک ایشانید شما را اجازه طلبند، یعنی بندگان و خدمتگزاران مرد و زن که به عقیده برخی مفسرین (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۱۵۴) اختصاص به عبید دارد و کنیز را شامل نیست، چنانچه از امام باقر و صادق علیهما السلام روایت شده و موافق با ظاهر آیه است «وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ» و نیز باید اجازه طلبند، آنان که به حد احتلام از شما نرسیده اند، یعنی غیر بالغ آزاد. تعبیر از بلوغ به احتلام به جهت آن است که اقوی دلیل بلوغ است (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۹: ۲۸۰).

«ثَلَاثَ مَرَّاتٍ» سه مرتبه در هر شبانه روزی، «مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ» پیش از نماز صبح که آدمی از خواب برمی خیزد و جامه خلوت بیرون کرده می خواهد لباس پوشد، «وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ» و یکبار هنگامی که جامه های خود را می نهید، «مِنْ الظَّهْرِ» آن وقت که نصف روز است و برای قیلوله لباس را بیرون آورده اید، «وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ» و یکبار بعد از نماز عشاء که وقت در آوردن لباس و در آمدن به رختخواب است، «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» این سه وقت برای شما عورت است؛ زیرا در سه وقت که تبدیل جامه به جامه دیگر می کنید، ممکن است که به ستر و حفظ عورات شما اخلال دست دهد و عورات شما ظاهر گردد یا این سه وقت به منزله عورت است که مراقب ستر آن هستید و کراهت دارید که کسی شما را مشاهده کند (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۹: ۲۸۰).

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ» بر شما مؤمنین آزاد و نه بر خدمتکاران و غلامان، گناهی نیست بعد از این سه وقت اذن و اجازه، را ترک کنند. «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ» و خداوند دلیلش را بیان می فرماید: برای خدمت طواف کننده هستند، یعنی ایشان خادم شما هستند، پس چاره ندارند، در غیر اوقات سه گانه بر شما وارد شوند، «بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» بعضی از شما بر بعضی طواف می کنند. این دو جمله استیناف است برای بیان عذر، در ترک اذن که آن کثرت رفت و آمد است. «كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ» همچنین خدا برای شما آیات احکام را بیان می فرماید. «وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» و خدا دانا است به آنچه صلاح شما در آن است، حکیم است در آن چه از افعال بجا می آورید (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۹: ۲۸۱).

تا آنجا که برخی مفسرین معتقدند: خدای تعالی نهی فرموده در این اوقات سه گانه اینکه کسی بر کسی داخل شود نه پدر، نه خواهر، و نه مادر، و نه خادم، مگر به اذن و اجازه (قمی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۱۳).

علامه طباطبایی نیز مباحث مهمی در واژه شناسی آیه ۵۸ سوره نور مطرح نموده که «وضع ثياب» در جمله «تضعون ثيابكم» به معنای کندن لباس، کنایه است از اینکه اهل خانه در حالی باشند که چه بسا میل نداشته باشند بیگانگان در آن حال ایشان را ببینند و کلمه «ظهیره» به معنای وقت ظهر و کلمه عورت به معنای عیب است و اگر آن را عورت نامیده اند، چون هر کس عار دارد از اینکه

آن را هویدا کند و شاید مراد از آن در آیه شریفه هر چیزی باشد که سزاوار است پوشانده شود (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱۵: ۲۲۳).

پس جمله «یا ایها الذین آمنوا» دنباله جمله سابق است که می‌فرمود: «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا...» که حکم می‌کرد به اینکه داخل شدن به خانه هر کس موقوف به اجازه گرفتن است، در نتیجه آیه‌ی مورد بحث به منزله استثناء از آن حکم عمومی است، چون در خصوص غلامان و کنیزکان اجازه گرفتن در سه هنگام را کافی می‌داند و بیش از آن را واجب نمی‌داند و معنای اینکه فرمود: «لَيْسَتْ أَدْئُكُمْ الذِّينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» این است که به ایشان دستور دهید که از شما اجازه دخول بخواهند و از ظاهر جمله «ملکت ایمانکم» برمی‌آید که مراد از آن تنها غلامان است، چون کلمه «الذین» برای مردان است و معنای «الذین لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» اطفالی است که به حد تمیز رسیده‌اند؛ ولی بالغ نشده‌اند و دلیل بر رسیدن به حد تمیز جمله «ثلاث عورات لکم» است و منظور از جمله «ثلاث مرآت» سه نوبت در هر روز است، به دلیل اینکه دنبالش آن را تفصیل داده و فرموده: اول قبل از نماز فجر و دوم هنگام ظهر که به خانه می‌آید و جامه می‌کنید، سوم بعد از نماز عشاء، و در جمله «ثلاث عورات لکم» به وجه حکم اشاره نموده و می‌فرماید: این سه موقع سه عورت است برای شما، که طبعاً شایسته نیست غیر از شما کسی بر وضع شما مطلع شود و معنای اینکه فرمود: «لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ» این است که مانعی نیست که بعد از این سه موقع مأمورشان نکنید به اجازه دخول خواستن و مانعی هم برای ایشان نیست که از شما استیذان نکنند. در جمله «طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» به وجه این حکم «یعنی رفع مانع مذکور» اشاره نموده و می‌فرماید: چون در غیر این سه موقع غلامان و کنیزان دائماً در آمد و شد و خدمت هستند؛ پس تنها در اجازه خواستن به این سه هنگام اکتفا کنند (همان، ج ۱۵: ۲۲۴).

البته بیهقی در سنن از ابن عباس روایت کرده این آیه از آیاتی است که بیشتر مردم به آن عمل نکردند؛ ولی من همواره به دخترم - کنیز کوتاه قد بالای سرش ایستاده بود- یادآوری می‌کنم که از من اجازه بگیرد و سپس بر من وارد شود. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۵۶)

### ج) نکات تربیتی آیه

نکات تربیتی مهمی در تفسیر آیه ۵۸ سوره نور قابل استناد است که می‌توان به موجب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَذْنُكُمْ» دریافت که مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند. همچنین بر اساس عبارت «لَيْسَ أَذْنُكُمْ» چنین نتیجه گرفت که محل خواب والدین، اگر جدا از فرزندان باشد، نیاز به اذن دارد و نیز کودکی و بردگی، بهانه‌ای برای شکست حریم دیگران نبوده و کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. بر اساس مفهوم «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» می‌توان گفت مرد باید در طول شبانه روز، اوقاتی را به همسر خود اختصاص دهد. «لَيْسَ أَذْنُكُمْ ... الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» نیز اشاره به این معنا دارد که حتی فرزندان نابالغ باید احکام خانواده را بدانند و مراعات کنند. همچنین اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسائل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی که در آیه ۵۵ سوره نور آمده و هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین، طرح و برنامه دارد. با توجه به عبارت «الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» چنین استنباط می‌شود که تربیت و آموختن آداب اسلامی باید قبل از بلوغ کودکان شروع شود. بر اساس عبارت «تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ» لباس کار و لباس بیرون را باید در خانه کنار گذاشت و نیز استراحت بعد از ظهر و در میان ساعات کار، مفید و مناسب است. با توجه به عبارات مبتنی بر زمان‌شناسی آیه یعنی «قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ - بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ»، تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد و در نهایت بر حسب عبارت «عَلِيمٌ حَكِيمٌ» این گونه می‌توان دریافت که تمام احکام الهی بر اساس علم و حکمت است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۲۱۱-۲۱۰).

گفتار مفسران درباره این آیه این است که مشاهده برخی صحنه‌های خلوت نمودن والدین، باعث ایجاد آثار زشت و بدی در ذهن پسر یا دختر شده و هنگام رسیدن به سن بلوغ به صورت ترس و افسردگی شکننده ظاهر می‌شود و فکر آن‌ها را مشغول می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹: ۴۰۰).

از این دیدگاه، برخی صحنه‌ها که کودکان می‌بینند در سراسر زندگی آن‌ها تاثیرگذار است و آنان را به بیماری روانی و عصبی مبتلا می‌سازد که بهبودی آن‌ها دشوار خواهد بود (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۱۹۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۳۰۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴: ۴۱۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴: ۵۹؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۸: ۲۹۴؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۸: ۲۹۰). بر همین اساس، بسیاری از مفسران



معتقدند واجب است پدر و مادر با ظاهری متین و دارای عفاف جلوی فرزندان ظاهر شوند تا الگوی حسنه قرار گیرند (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ج ۶: ۸۱؛ شعراوی، ۱۹۹۷، ج ۱۷: ص ۱۰۳۲۹).

## ۲. تحلیل فقهی آیه ۵۸ سوره نور

فلسفه اجازه گرفتن از والدین و مضرات بی توجهی به آن، این است که برای ریشه کن ساختن اعمال منافی با عفت تنها توسل به زور و اجرای حدود کافی نیست؛ بلکه باید زمینه های گناه را برداشت. یکی از عللی که باعث می شود فرزندان پس از بزرگ شدن به اعمال منافی عفت روی آورند، دیدن پدر و مادر در حال نزدیکی و مجامعت است. دیدن این مناظر سرچشمه انحرافات اخلاقی و حتی بسیاری از بیماری های روانی را فراهم می کند. بنابراین کودکان با این که در ظاهر چیزی از مسائل زناشویی نمی فهمند؛ ولی در واقع این تصاویر در ذهن آن ها نقش می بندد و دیر یا زود برای آن ها مشکل ایجاد می کند. به همین خاطر اسلام به پیروان خود یاد می دهد که بچه ها را عادت دهند در ساعتی که معمولاً وقت خلوت کردن زن و مرد است، هنگام ورود اجازه بگیرند تا منظره ای را که باعث تحریک آن ها می گردد، مشاهده نکنند و خللی در پرورش آن ها به وجود نیاید.

این امر بدان سبب است که ساختمان شخصیت کودک از همان ابتدا در حال شکل گیری است و اگر داشتن فرزندان پاک و صالح مدنظر باشد، باید از عوامل منفی پیش گیری شود که دقت در مسائل جنسی به نحوی که از دید کودکان به دور باشد، یکی از اساسی ترین پیش گیری ها در این زمینه است.

### الف) بررسی وجوب یا استحباب استیذان

با توجه به تأثیری که تصویرسازی جنسی بر ذهن و فکر کودک می گذارد، آموزه های دینی تأکید معناداری دارند که والدین نگذارند روابط زناشویی بین آن ها و پوشش و مسائل شخصی شان باعث تحریک جنسی فرزندان شود. با توجه به این مبنا خداوند در آیه ۵۸ سوره نور دستور داده است که فرزندان هنگام ورود بر والدین خود، از آن ها اجازه بگیرند.

برخی فقها لزوم کسب اجازه هنگام ورود به حریم خصوصی دیگران را مطلق و فراگیر تلقی کرده که افراد غیر از والدین را نیز در بر می گیرد «این آیه بر لزوم کسب اجازه هنگام ورود بر دیگران

در اوقات سه گانه مذکور در آیه به طور مطلق دلالت دارد. یعنی اینکه این آیه مختص به رابطه والدین و فرزندان نیست، گرچه آن‌ها را هم شامل می‌شود؛ اما علت اینکه در آیه به بردگان و فرزندان نابالغ اشاره شده است یا از جهت کثرت ابتلاء این دو گروه در ورود به والدین است و یا از این جهت که این توهم ایجاد نشود که این حکم، نابالغان و بردگان را شامل نمی‌شود. از نظر ایشان این اوقات سه گانه، زمان‌های خلوت‌گزینی و راحتی، برای انسان است حال فرقی نیست که این شخص دارای همسر باشد یا خیر و یا اینکه همسرش نزد او باشد یا خیر. پس حکم لزوم کسب اجازه هنگام ورود بر دیگران در این اوقات مطلقاً واجب است» (موسوی خویی، ۱۴۰۵ ه.ق، ج ۳۲: ۸۸-۸۷).

در این مبحث در کنار آیه مذکور، از حضرت امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده که شخصی نزد حضرت رسید و عرض کرد: آیا مرد برای ورود بر پدرش نیز باید اجازه بگیرد؟ امام فرمودند بله من هم برای ورود بر پدرم اجازه می‌گرفتم در حالی که مادرم فوت کرده بود و پدرم همسری اختیار کرده بود و من نوجوان بودم. شاید آن‌ها در خلوتشان به کاری مشغول باشند که دوست ندارند در آن حال من بر آنان وارد شده و آن‌ها را ببینم. راه درست، اجازه گرفتن و سلام کردن است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۵: ۵۲۸).

برخی فقها این روایت را سنداً ضعیف می‌دانند و به علاوه معتقدند ظاهر حدیث بر فرض صحت سند، استحباب اجازه در ورود را می‌رساند و قرینه‌ای بر انصراف ظهور در وجوب ندارد. در واقع ایشان این روایت را روایت اخلاقی برای حفظ مقام شأن پدر می‌دانند (حکیم، ۱۳۱۶ ه.ق، ج ۱۴: ۵۲). در مقابل، برخی استدلال می‌کنند که اخلاقی بودن حکم استیذان بعید است؛ زیرا در صدر روایت، حضرت استیذان را بر خود در هنگام حضور همسر ایشان واجب می‌دانند پس این وجوب برای دیگران نیز هست به همین دلیل معنای صدر روایت الزام است، همانطور که سؤال نیز از الزام است پس در جایی که احتمال برای دخول می‌دهد، استیذان لازم است (شیرازی، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۳: ۹۴۷).

به نظر می‌رسد روایت، استحباب مؤکد را می‌رساند؛ زیرا در روایت بیان شده «راه درست» در صورتی که اگر واجب بود از الفاظ «باید» استفاده می‌شد با تأکید بیشتری بیان می‌شد و ترک آن نیز عذاب اخروی به دنبال داشت؛ اما نه آیه و نه در روایت برای ترک اذن، عذابی وارد نشده است.

#### ب) بررسی حرمت یا کراهت خلوت والدین در حضور کودکان

یکی از مباحث فقهی مشهور در زمینه آیه استیذان، عدم حضور کودکان در هنگام خلوت نمودن والدین با یکدیگر است. احکام فقهی مربوط به این مساله از روایات متعددی استنباط شده که مشهورترین آن‌ها، روایت ابن راشد است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ابْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ لَأَجَارِيَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورِثُ الزَّانَا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۰۴)؛ موقعی که در اتاق، کودکی حضور دارد، مردان با زنان یا کنیزان خود آمیزش نمی‌کنند؛ زیرا این عمل، طفل را به راه زناکاری سوق می‌دهد.

امام صادق (علیه‌السلام) مجامعت با همسر و کنیز را در اتاقی که کودکی حضور دارد، نفی کرده و اشاره به حکمت این نفی که همانا کشیده شدن کودک به زنا در آینده است، توجه دارد. این نفی مطلق است و شامل کودک ممیز و غیرممیز، خواب یا بیدار می‌شود.

می‌توان گفت که حرمت مجامعت بیان شده، از این حدیث استفاده نمی‌شود؛ حیث دلالتی تعبیر «لَا يُجَامِعُ» دلالت بر حرمت این موضوع می‌کند؛ زیرا نفی با جمله خبریه، نه تنها دلالت بر لزوم ترک دارد، بلکه تأکید آن نیز بیشتر است؛ اما با توجه به ضعف سند روایت، نمی‌توان حرمت را از آن استخراج کرد. برخی فقها نیز به کراهت این امر فتوا داده‌اند. نجفی در جواهر الکلام (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۵۹)، حلی در الجامع للشرائط (حلی، ۱۴۰۵: ۴۵۴) و نزهة الناظر (حلی، ۱۳۹۴: ۱۰۱)، علامه حلی در تذکره الفقهاء (حلی، ۱۳۸۸: ۵۷۶)، کاشف الغطاء در سفینه النجاة (کاشف الغطاء، ۱۴۲۳، ج ۴: ۹۷)، کرکی در جامع المقاصد (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۱۹۸)، عاملی در نهاية المرام (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۴۹)، طباطبائی حائری در ریاض المسائل (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱: ۳۶)، نراقی در رسائل و مسائل (نراقی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۳) و مستند الشیعه (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۵)، شوشتری در النجعة (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۸: ۳۰۱)، شاهرودی در موسوعه فقهی

(شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۱۱: ۴۱) این کار را مکروه دانسته و حلی نیز در المهدب (حلی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۸۶) به «استحباب تستر» اشاره دارد.

#### ج) بررسی شمول مفهوم بیت بر اتاق والدین یا خانه

از سوی دیگر، توجه به این نکته مهم است که «بیت» در روایت ابن راشد به معنای اتاق خلوت اولیاء، نه همه‌ی خانه است؛ هرچند «بیت» در معانی و استعمالات خاص نیز به کار رفته است (سبزواری، بی تا، ج ۷: ۴۲۰)، اما اصل معنای آن، همان «خانه» و «منزل» است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۴)؛ اما در این روایت، با توجه به مناسبات حکم و موضوع، نمی توان مجامعت را در کل خانه نهی نمود؛ زیرا فلسفه این امر که در روایت آمده است، عدم شنیدن و دیدن کودک و اثرات ناشی از این امور است؛ و این امر با جدا بودن اتاق خلوت اولیاء با کودک محقق می شود و لزومی در جدایی کل خانه نیست؛ به عبارت دیگر لازم نیست اولیاء هنگام مجامعت در خانه‌ای دیگر غیر از خانه‌ای که فرزند حضور دارد، باشند.

#### د) بررسی کراهت خلوت والدین در حضور کودکان برای مرد و زن

موضوع دیگر که می تواند مورد ملاحظه قرار گیرد این است که کراهت مجامعت نزد کودک، هم برای مرد هم برای زن است. در حدیث ذکر شده، به اجتناب مرد از مجامعت در اتاقی که کودک است، اشاره می شود «لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۸۶)؛ اما با الغای این ویژگی می توان به کراهت این عمل از سوی زن نیز قائل شد؛ زیرا ویژگی خاصی نسبت به مرد در این حکم نیست و زن را نیز شامل می شود.

#### ه) بررسی کراهت خلوت والدین در حضور کودکان خواب یا بیدار

موضوع کراهت به هنگام بیداری یا خواب کودک نیز قابل بررسی است. انصراف حکم به مواقعی که کودک بیدار است، بعید نیست؛ ولی نمی توان به طور یقین بدان قائل شد. در اینکه خواب یا بیدار بودن کودک در حکم کراهت دخالت داشته باشد، دو احتمال وجود دارد:

- احتمال اول به مطلق بودن این امر نظر دارد؛ بدین معنا که خواب یا بیدار بودن کودک در کراهت این مجامعت نقش ندارد؛ زیرا روایت به طور مطلق می فرماید: «لَا يُجَامِعُ ... وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ»؛ لزوم دوری از چنین مجامعتی مطلق بوده و شامل کودک خوابیده نیز می شود. این احتمال به تأثیرات

معنوی، تکوینی و وضعی این عمل در کودک نظر داشته و این امر را در حالت خواب بودن کودک نیز صادق می‌داند.

- احتمال دوم به انصراف حکم به بیدار بودن کودک نظر دارد؛ زیرا به مناسبت حکم و موضوع، می‌توان دریافت که دیدن و شنیدن کودک و توجه او در این حکم دخالت دارد (نراقی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۳). این احتمال بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا عرف بدین امر نظر دارد که توجه کودک باعث کراهت این امر است. چنانچه در ادامه اشاره به حکمت حکم فرماید: «إِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورَثُ الزَّوْءَ»؛ امکان منجر شدن این امر به زناى کودک در آینده، هنگامی است که توجه به این امر داشته و ذهن کودک نوعی تصویربرداری یا ضبط صدا داشته باشد.

در صورت قبول احتمال اول، دو جواب به این مطلب می‌توان داد. اول اینکه «فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورَثُ الزَّوْءَ» حکمت، حکم است، نه علت آن. دوم آنکه حکمت ذکر شده به اثر تکوینی این عمل اشاره دارد و این اثر در خواب بودن کودک نیز جاری است؛ از این رو به‌طور قطعی نمی‌توان به دخالت خواب بودن کودک در این حکم دست یافت؛ ولی انصراف آن به خواب بودن کودک قوی است؛ از این رو در صورت عدم ضعف سند حدیث و دلالت آن بر حرمت، در مورد کودک خوابیده، در مقام فتوا باید چنین آورد: بنا بر احتیاط واجب نباید در اتاقی که کودک خوابیده است، مجامعت کرد؛ اما با توجه به اینکه قائل به کراهت شدید، نهایتاً شدت کراهت در مورد کودک خواب و بیدار فرق خواهد کرد.

#### و) بررسی کراهت خلوت والدین در حضور کودکان ممیز یا غیر ممیز

مساله دیگر، این که منظور از کودک، ممیز بوده یا اعم از ممیز و غیرممیز می‌باشد که در این موضوع؛ سه احتمال و قول وجود دارد:

- در احتمال اول، مراد حدیث «کودک ممیز» است؛ زیرا کودک غیرممیز درکی از روابط جنسی ندارد؛ از این رو حکم از او منصرف بوده و مجامعت نزد کودک غیرممیز کراهت ندارد. کرکی عاملی در جامع المقاصد (کرکی عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۱۹۸)، موسوی عاملی در نهیة المرام (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۴۹)، کاشف الغطاء در سفینه النجاة (کاشف الغطاء، ۱۴۲۳، ج ۴: ۹۷) و شوشتری در شرح لمعه (شوشتری، ۱۴۰۶، ج ۸: ۳۰۱) به این نظر قائل شده‌اند. غروی در الفقه

علی المذهب الأربعة (غروی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۰) در دو وجه اختصاص به ممیز و عدم اختصاص اشاره داشته و نظری نمی‌دهد؛ اما ترحینی عاملی در الزبده (ترحینی، ۱۴۲۷، ج ۶: ۱۲۶) با اشاره به دو وجه، حمل روایات مطلق را بر ممیز، اولی دانسته و کراهت این امر را مختص به محل حضور کودک ممیز می‌داند.

- احتمال دوم به کراهت مجامعت نزد کودک، اعم از ممیز و غیرممیز، نظر دارد؛ زیرا با اینکه کودک غیرممیز درکی از مسائل جنسی ندارد، ولی تأثیرات معنوی، تکوینی و تصویربرداری ذهنی در کودک غیرممیز نیز وجود دارد. این احتمال، انصراف حدیث به کودک ممیز را یقینی نمی‌داند. با توجه به تناسب حکم و موضوع، کودک غیرممیز نیز از تأثیرات این عمل مصون نیست و حکمت ذکر شده در حدیث «فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورِثُ الزَّانَا» شامل این سنین نیز می‌شود. عرف نیز به تأثیرگذاری تکوینی و روحی مجامعت در محل دید و شنید کودک غیرممیز نظر دارد.

بحرانی در حدائق، نخست به اختصاص این حکم به ممیز اشاره داشته و به تعلیل حدیث «فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُورِثُ الزَّانَا» تمسک نموده است؛ اینکه خطر زناکار شدن در مورد کودکی که می‌شنود، صدق می‌کند و در تأیید این سخن، به حدیث «إِيَّاكَ وَالْجَمَاعَ حَيْثُ يَرَاكَ صَبِيٌّ يُحْسِنُ أَنْ يَصِفَ خَالِكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۳۴) تمسک کرده چنین تعبیری نشان می‌دهد که کودک ممیز مراد است؛ زیرا کودک غیرممیز توانایی توصیف احوال را ندارد (حلی، ۱۳۹۴، ج ۲۳: ۱۳۶). همچنین در ادامه به حدیث دیگری که شامل غیرممیز نیز می‌شود، اشاره نموده که در آن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به طور مطلق به نهی از مجامعت در محل دید کودکی که در گهواره است، می‌پردازد «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُجَامَعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ الصَّبِيَّ فِي الْمَهْدِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا» (ابن اشعث، بی تا: ۹۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴: ۲۲۸)؛ مفاد این حدیث اعم از ممیز و غیرممیز است؛ زیرا اشاره به کودک در گهواره شده و کودک در این سن، شیرخواره و غیرممیز است. صاحب حدائق در نهایت در وجه جمع بین دو دسته از روایات، به کراهت مجامعت در جایی که کودک است و به کراهت شدید در جایی که کودک ممیز است، فتوا داده است (حلی، ۱۳۹۴، ج ۲۳: ۱۳۷).

نجفی در جواهرالکلام (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۵۹)، نراقی در رسائل و مسائل (نراقی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۳۲) و طباطبائی حائری در ریاض المسائل (طباطبائی حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۱: ۳۶) نیز به شمول این

حکم به ممیز و غیرممیز نظر دارند. شهید ثانی در شرح لمعه به هر دو وجه اشاره داشته (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۹۵)، ولی در مسالک الأفهام (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۳۸) به اطلاق این حکم در ممیز و غیرممیز قائل شده است.

احتمال سوم، اجتناب از جماع در منظر کودک را فقط شامل ممیز نمی‌داند؛ ولی تمامی غیرممیزین نیز استثناء نیستند؛ بلکه دایره امر کمی وسیع‌تر بوده، شامل کودکان غیرممیزی که درک مختصری نیز دارند، می‌شود؛ زیرا در حدیث دیگری «کودک» با قید درک‌کننده، لحاظ شده است: «إِيَّاكَ وَالْجَمَاعَ حَيْثُ يَرَاكَ صَبِيٌّ يُحْسِنُ أَنْ يَصِفَ حَالَكُمْ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰: ۱۳۴)؛ پرهیز از جماع در جایی که کودک تو را می‌بیند و رفتارت را آنچنان درک می‌کند که قادر است به خوبی برای دیگران توصیف و تشریح نماید. از این حدیث استفاده می‌شود که درک کودک و توصیف او، کفایت در صدق حرمت این عمل دارد؛ هر چند به سن تمییز نرسیده است، ولی می‌تواند توصیف و تشریح موقعیت‌ها داشته باشد. با توجه به اینکه درک کودک در این امر دخیل است، به نظر می‌رسد احتمال سوم از قوت بیشتری برخوردار باشد.

#### ز) بررسی کراهت خلوت والدین در حضور کودکان پسر یا دختر

در روایت ابن راشد، از مجامعت در محلی که کودکی وجود دارد، نهی شده است. با توجه به اینکه در روایت به «کودک» اشاره شده، نه «کودک دختر»، ممکن است که اختصاص این واژه به کودک مذکر، موجب توهم شود؛ اما با توجه به چند دلیل، این حکم مطلق است و شامل دختربچه نیز می‌شود:

الف. در لغت عربی، ذکر لفظ یا صیغه مذکر و اراده اعم از آن شایع است؛

ب. اثرات معنوی، تکوینی و روحی و روانی این امر، در دختربچه نیز قابل انکار نیست؛

ج. حکمت ذکرشده در حدیث شامل دختربچه نیز می‌شود؛

د. اعم بودن این امر با صراحت در احادیث دیگری که ذکر خواهد شد، مورد توجه واقع شده است.

حر عاملی در هدایه الأئمه نیز با عنایت به این اطلاق، در شمارش جماع های مکروه چنین آورده است: «الجماع و فی البیت صبیّاً أو صبیئیه یریان و یسمعان أو خادماً» (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۱۲۵).

### نتیجه گیری

از مباحث مربوط به تحلیل تفسیری آیه ۵۸ سوره نور می توان دریافت که یکی از روش های خاص تربیت جنسی، اذن خواهی فرزندان و کودکان و دیگر افراد مرتبط، هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاست. بر طبق این روش تربیتی، کودکان و فرزندان هنگام ورود به اتاق خواب اولیا اجازه می گیرند و بدون اجازه آنها وارد نمی شوند. این روش از روش های پیش گیرانه از برخی نابهنجاری های جنسی کودک به شمار می آید. به عبارت دیگر، مفسران اسلامی در تشریح آیه ۵۸ سوره نور بر این نکته تأکید داشته اند که در دستورات اسلامی، این موضوع مهم است که محیط خانوادگی باید برای دور ماندن از تحریکات نابجای کودکان، پیراسته شود. اگر محیط خانه آرامش روانی داشته باشد، می تواند آثار مطلوب و مؤثری در بارور شدن استعداد های کودکان و فراگیری فضایل اخلاقی آنها داشته باشد. اسلام برای پیشگیری از بلوغ زودرس به نبود کودکان در کنار والدین، در مواقع خاص دستور داده و کودک باید بیاموزد که برای وارد شدن به اتاق والدین اجازه بگیرد. از این دیدگاه یکی از مهم ترین وظایف والدین در قبال کودکان، پیشگیری از تحریکات جنسی آنان است. بنابراین گرچه گزینه جنسی در کودک، با عمل جنسی یا لذت جنسی همراه نیست و باید یک سیر تحولی را طی نماید تا در زمان بلوغ به تکامل برسد؛ اما تحریک پیش از موعد این گزینه، کودک را زودتر از وقت مناسب نسبت به آن هوشیار می کند و آنگاه ضرر های جبران ناپذیری به او وارد می کند.

از آنچه در تحلیل فقهی آیه ۵۸ سوره نور مورد بررسی قرار گرفت می توان کراهت شدید مجامعت اولیاء در حضور کودک بیداری که توانایی توصیف حالات را دارد، استخراج کرد. این کراهت در فتوای مشهور هم آمده است؛ البته این کراهت زمانی است که اطمینان به منجر شدن به گناه کودک وجود نداشته باشد؛ در صورت وجود چنین اطمینانی، طبق قواعد عام جاری در تربیت جنسی، مجامعت اولیاء در حضور کودک حرام است. بر همین اساس می توان گفت از یک سو،



کراهت مجامعت اولیاء هم در حضور پسر بچه و هم در حضور دختر بچه ثابت است و از سوی دیگر این کراهت هم برای زن و هم برای مرد است. همچنین ممیز بودن فرزند، ملاک حکم نبوده و شامل بچه غیر ممیزی هم که درکی از مسائل و توصیف آن‌ها دارد، می‌شود؛ اما در شمول آن، نسبت به کودک غیر ممیزی که هنوز درکی از مسائل ندارد، تردید است و در صورت دلالت آن، فقط به کراهت می‌توان قائل شد و کراهت شدید آن قابل اثبات نیست. این نکته نیز قابل ذکر است که عدم حضور کودک در کل خانه مراد نبوده و عدم حضورش در اتاق خلوت کفایت می‌کند.

بر مبنای یافته‌های تحلیل تفسیری و فقهی آیه ۵۸ سوره نور می‌توان پیشنهادهای کاربردی برای خانواده‌ها و نظام تربیتی کشور به ویژه نظام تعلیم و تربیت، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و حوزه‌های علمیه مطرح نمود. والدین بینش و بصیرت خود را نسبت به این مسأله بالا برده و تعصبات خود را کنار بگذارند؛ محل خواب و استراحت خود را از محل خواب فرزندان جدا کنند، بدن خود را در حضور آنان عریان نکنند، از مزاح و مطالبه‌های نابجا در حضور فرزندان، خودداری کنند، در نوازش‌ها، رعایت ادب و اخلاق را بکنند، در آرایش‌ها، سادگی و متانت را در نظر داشته باشند، از تماشای فیلم‌های نامناسب بپرهیزند و روابط جنسی خود را دور از دید فرزندان برقرار کنند. در این راستا می‌توان آموزش کافی به والدین از طریق جلسات انجمن اولیا و مربیان و ایراد سخنرانی‌های لازم در مدارس و مساجد انجام شود.

## منابع

### \*قرآن مجید

۱. آلوسی، محمود (۱۴۱۵)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن أشعث کوفی، محمد بن محمد (بی تا)، الجعفریات، تهران: مکتبه النینوی الحدیثیه.
۳. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۲۲)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
۴. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴)، التحریر والتنویر، تونس: الدار التونسیه للنشر.
۵. ابن عطیه، عبدالحق ابن غالب (۱۴۱۳ ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل ابن عمر (۱۴۲۰ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۸. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۵)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۹. ایزانلو، امید و زارع، محبوبه (۱۳۹۵)، ادبیات اجازه گرفتن کودکان در خانه با تاکید بر آیه ۵۸ سوره نور در تفاسیر شیعه و اهل سنت، تهران: مجموعه مقالات نهمین همایش ملی اشراق اندیشه مطهر.
۱۰. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ق)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. ترحینی عاملی، سیدمحمد حسین (۱۴۲۷ ق)، الزبدة الفقهیه فی شرح الروضة البهیة، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.

١٢. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (١٤١٠ ق)، **غررالحکم و دررالکلم**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
١٣. جصاص، احمد ابن علی (١٤١٥ ق)، **احکام القرآن**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
١٤. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ ق)، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت.
١٥. \_\_\_\_\_ (١٤١٢)، **هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام**، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
١٦. حکیم، سید محسن (١٣١٦ ق)، **مستمک العروة الوثقی**، قم: دارالتفسیر.
١٧. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (١٣٨٨ ق)، **تذکره الفقهاء**، قم: مؤسسه آل البيت.
١٨. حلّی، یحیی بن سعید (١٤٠٥ ق)، **الجامع للشرائع**، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیة.
١٩. \_\_\_\_\_ (١٣٩٤ ق)، **نزهة الناظر فی الجمع بین الأشباه و النظائر**، قم: منشورات رضی.
٢٠. حلّی، احمد بن محمد اسدی جمال الدین (١٤٠٧ ق)، **المهذب البارع فی شرح المختصر النافع**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٢١. خازن، علی ابن محمد (١٤١٥ ق)، **لباب التاویل فی معانی التنزیل**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
٢٢. زحیلی، وهبه بن مصطفى، (١٤١٨ ق)، **التفسیر المنیر**، دمشق: دار الفکر المعاصر.
٢٣. زمخشری، محمود (١٤٠٧ ق)، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتب العربی.
٢٤. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (بی تا)، **الجدید فی تفسیر القرآن المجید**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
٢٥. شادی، احمد (١٣٨٢) **انحرافات جنسی جوانان**، بی جا: ترجمه احمد ماجدیانی.
٢٦. سید قطب، ابراهیم شاذلی (١٤١٢ ق)، **تفسیر فی ظلال القرآن**، بیروت: دارالشروق.

۲۷. سیوطی، جلال الدین (۱۳۹۲)، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه سید مهدی حائری، تهران: امیرکبیر.

۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۴)، *الدر المثلثور*، جلد ۵، بی جا: مکتب مرعشی نجفی، چاپ اول.

۲۹. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۹۳)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران: نشر آذرنیا.

۳۰. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ ق)، *کتاب النکاح*، قم: مؤسسه رای پرداز.

۳۱. شعراوی، محمد متولی (۱۹۹۷ م)، *الخواطر*، بی جا.

۳۲. شوشتری، محمدتقی (۱۴۰۶ ق)، *النجعة فی شرح اللمعة*، تهران: کتابفروشی صدوق.

۳۳. شوکانی، محمد بن علی، (۱۴۱۴ ق)، *فتح القدير الجامع بين فنی الروایة و الدراية من علم التفسیر*، بی جا: عالم الكتب.

۳۴. صادقی، طاهره (۱۳۹۵)، *بررسی فقهی - تربیتی آیات استیذان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار.

۳۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۶. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ ق)، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل*، قم: مؤسسه آل البيت.

۳۷. طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۸۴)، *مجمع البیان*، قم: ناصر خسرو.

۳۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ ق)، *جامع البیان*، بیروت: دارالمعرفة.

۳۹. طریحی فخر الدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

۴۰. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: کتابفروشی داوری.

۴۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳)، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

۴۲. عاملی، محمدبن علی موسوی (۱۴۱۱ ق)، **نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۳. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم: مؤسسه آل‌البيت.
۴۴. غروی، عبدالرحمن و سید محمد یاسر مازح جزیری (۱۴۱۹ ق)، **الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت وفقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام**، بیروت: دارالثقلین.
۴۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. فلسفی، محمد تقی، (۱۳۶۸)، **الحديث-روایات تربیتی**، ۳ جلد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۸. قمی، علی ابن ابراهیم (۱۳۸۸)، **تفسیر قمی**، ترجمه جابر رضوانی، قم: نشر بنی الزهرا.
۴۹. قمی مشهدی محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۵۰. کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمدرضا نجفی (۱۴۲۳ ق)، **سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات**، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۵۱. کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۴۲۹)، **الکافی**، قم: دارالحديث.
۵۲. نیآوردی، علی بن محمد (بی تا)، **النکت والعیون**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، **الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل**، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب.
۵۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۵ ق)، **موسوعة الإمام الخویی**، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
۵۵. ناصح الوان، عبدالله (۱۳۸۸)، **چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم**، تهران: نشر احسان.

۵۶. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار  
إحياء التراث العربی.

۵۷. نراقی، احمدبن محمدمهدی (۱۴۲۲ ق)، *رسائل و مسائل*، قم: کنگره نراقین ملامهدی و  
ملاحمد.

۵۸. نراقی، احمد بن محمدمهدی (۱۴۱۵ ق)، *مستندالشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: مؤسسه  
آل‌البيت.

۵۹. نوری، حسین (۱۴۰۸ ق)، *مستدرک الوسائل*، بیروت: مؤسسه آل‌البيت.

۶۰. هاشمی شاهروردی، سید محمود (۱۴۲۳)، *موسوعة الفقه الإسلامی طبقا لمذهب  
أهل البيت*، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بيت.

۶۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۱)، *تفسیر راهنما*، جلد ۱۲، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.